

۱۵

دفتر فرنگ

رضا اسپیلی

اشاره‌ی به:

رمان برای عشق کلر از ادویج دانتیکت، ادگار مورن و کتابی درباره‌ی او، دو مجموعه‌ی مونوگرافیک کایه دُ لرن و کارنه دُ لرن از انتشارات مستقل لرن *L'Herne*، امیلیو جنتیله و کتاب او فاشیسم چیست؟ تاریخ و تفسیر، رمان اندرو میلر درباره‌ی سال‌های منتهی به انقلاب کبیر فرانسه در پاریس، مصاحبه‌ی رادیو فرانس کولتور (رادیو فرهنگ) با ژک رانسیر، کتاب برای حق حکمرانی مردم اثر آندره بلون و ژان - پیر کرپن

کتاب روش، کولژ دُ فرانس، سیوران، سلین، لوی اشتراوس، چامسکی، فاشیسم، توتالیتاریسم، دانیل گرن، فاشیسم و بنگاه‌های کلان اقتصادی، لئون تروتسکی، رمان کازانوای عاشق، دکتر گیوتین، کتاب آموزگار نادان، لویی- فیلیپ، آلفونس دُلامارتین، ژنرال دوگل، قرعه‌کشی به جای رأی‌گیری، جنبش جلیقه‌زردها

جامعه‌ی فرانسه از دیرباز مأمن پر جنب و جوش هنرها و علوم بوده است. چه بسیار جنبش‌ها و سبک‌های ادبی و هنری و علمی که از این کشور برخاسته‌اند. گذر روزگار از شدت و حدت این جنب و جوش نکاسته است.

نگارنده‌ی این وجیزه‌ها که به مرور منتشر و با عنوان «دفتر فرنگ» به شما تقدیم می‌شود، مانند هر ذهن مشتاق و جست‌وجوگری، از دیدن این پویایی به شعف آمده و خوش‌تر آن دید که شادمانی‌ش را با ذهن‌های بی‌شمار مشتاق و جست‌وجوگر در ایران شریک شود. نوشته‌ها به اختصار به معرفی رمان‌ها، کتاب‌ها (بیشتر در زمینه‌ی علوم انسانی و ادبیات و هنرها) و فیلم‌ها می‌پردازند. گاه به نکته‌های مشترک دو یا چند کتاب یا یک کتاب و یک فیلم در قالب یک نوشته اشاره شده. در همه‌ی موارد کوشش شده تا اختصارِ متن حفظ شود اما نکته‌های مهم و اساسی آثار از قلم نیفتند. گمان می‌رود که بیشتر آنچه در اینجا معرفی می‌شود به فارسی ترجمه نشده باشد اما این چیزی را تغییر نمی‌دهد، چراکه هدف آشنایی خواننده‌ی ایرانی با نبض تپنده‌ی فرهنگ در یکی از کانون‌های فرهنگی امروز دنیاست. چه بسا از این رهگذر نکته‌یی در ذهنی یا شوقی در جانی برانگیزد. اگر اندکی از پویایی فضای اینجا به آنجا منتقل شود که چه بهتر!

رمان

Edwidge Danticat, *Pour l'amour de Claire*, Grasset, Paris, 2014.

ادویج دانتيکت، بانوی نویسنده‌ی هائیتی - امریکایی من را به یاد علی اشرف درویشیان می‌اندازد. او هم در رمان هایش از فقر و پیامدهایش می‌نویسد و تباهی آن را پیش چشمان ما می‌گذارد. کتاب از هشت داستان تشکیل شده که گرچه هر یک از دیگری مستقل‌اند اما در کنار یکدیگر دنیایی را می‌آفرینند. داستان اصلی که نامش را به کتاب داده، داستان آشنای فروش دختر به خانواده‌ی امریکایی است که می‌تواند آینده‌ی او را تضمین کند اما دختر، کلر، که عاشق آسمان شب و دریا و کورسوی شعله‌های کومه‌های مردم روستایش است پیش از سپرده شدن به خانواده‌ی تازه، گم می‌شود.

در هائیتی مردم به زبان کرئول صحبت می‌کنند که یکجور فرانسوی به زبان بومی درآمده است. مثلاً نام کامل کلر، کلر لیمیه لامه است که کرئول‌شده‌ی لومیر دلا مر به معنی نور دریاست. او قرار است رست‌آوک یعنی فرزندخوانده شود و پدرش شش لای (شفش لای) است یعنی دنبال لقمه نانی باید به دریا برود. داستان‌های دیگر به همین سختی و غمناکی‌اند که در گذشته یا در آینده می‌گذرند. داستان به (Bé) که در گتو زندگی می‌کند و همانجا یاد می‌گیرد که بکشد و بمیرد و...

ادویج دانتيکت زاده‌ی ۱۹۶۹ است، اوج دوران حکومت میلیشیای تونتون ماکوت (macoutes)، میلیشیای ساخته‌ی دست فرانسوا دووالیه، دیکتاتور هائیتی. این عنوان را البته مردم به آنها داده بودند که آن را از افسانه‌هایشان وام گرفته بودند: تونتون ماکوت که معنی‌اش می‌شود عمو گونی بر اساس افسانه، بچه‌ها را می‌زدید و عذاب‌شان می‌داد و بعد آنها را در گونی (ماکوت) می‌گذاشت تا فردا صبح یک لقمه‌ی خام بکنندشان.

نویسنده تا ۱۲ سالگی در هائیتی بود و سپس با خانواده به آمریکا مهاجرت کرد. او گرچه به انگلیسی می‌نویسد اما آن را از صافی زبان کرئول می‌گذراند تا فقر زمین مادری و فساد سیاستمداران را صادقانه‌تر روایت کند. تا سرنوشت کودکانی را که فروخته می‌شوند و همیشه هم خوشبخت نمی‌شوند و گاه اسلحه در دست سر از باندهای تبهکار درمی‌آورند شرح دهد. هرچند اگر در پایان رقص کلر در گرگ و میش ساحل دریا کمی سرخوشی در این دنیا بدمد شاید بشود به آینده‌ی نامعلوم خوش‌بین بود!



کتاب و بنگاه نشر

Edgar Morin (sous la direction de François L'Yvonnet), L'Herne, Collection Cahiers de L'Herne, Paris, 2016.

ادگار مورن که امسال مرز صد سالگی را درنوردید، از جنبش مقاومت در صف حزب کمونیست شروع کرد اما بعد، از حزبی که استالین زده می دانست اش فاصله گرفت. سپس به کار روشنفکری پرداخت و به جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، معرفت‌شناسی و سینما و... رو آورد اما با همه‌ی این تشقت در کار توانست خود را به‌عنوان اندیشمندی برجسته و منحصر به فرد به ویژه در دنیای اسپانیایی‌زبان (اسپانیا و آمریکای لاتین) تثبیت کند. پدیدآورندگان کتاب ادگار مورن، بر این باورند که مورن در هر یک از این علوم که قلم زد، به این علت اثر ماندگاری آفرید که روش علمی یکسانی داشت که در حکم امضای او بود چنان‌که نقاشی صاحب‌سبک تابلویی خلق کند و با یک نگاه دانسته شود که نقاشی از او و فقط از اوست. مورن البته روش علمی خود را در کتاب روش (*Méthode*) در شش مجلد شرح داده. به این ترتیب همگونی و ثباتی در نوشته‌های مورن حفظ شده خواه جامعه‌شناسانه باشند، خواه معرفت‌شناسه و... معروف است که روش تحلیل او از پیچیدگی خاصی برخوردار است که حاصل این باور اوست که «نوع انسان و دنیای او پیچیده‌اند» و «تحلیل‌های او هیچ‌گاه در دام اصول مکانیکی و جبری نمی‌افتند».

انتشارات مستقل لرن (L'Herne) در پاریس، دو مجموعه‌ی کتاب به چاپ می‌رساند که اهمیت و شهرت جهانی دارند: کایه دُ لرن و کارنه دُ لرن. هر دو در فرم مونوگرافی منتشر می‌شوند. مجموعه‌ی کایه دُ لرن که با همکاری کولژ دُ فرانس منتشر می‌شود و کتاب ادگار مورن که بالاتر معرفی شد در آن جای دارد، مجموعه‌ی منحصر به فرد از آثار مردم‌شناسی اجتماعی است. مجموعه‌ی دوم، کارنه دُ لرن، که از سال ۲۰۰۲ منتشر می‌شود، به چاپ آثار ناشناخته اما مهم و رادیکال متفکران برجسته و تأثیرگذاری مانند نوام چامسکی، کلود لوی اشتراوس، سنت آگوستن، سیوران، سلین و... می‌پردازد.

L'Herne Morin



Emilio Gentile

Qu'est-ce que le fascisme ?

Histoire et interprétation

histoire
folio



Emilio Gentile, *Qu'est-ce que le fascisme ? Histoire et interprétation*, Gallimard, Paris, 2004.

یکی از موضوع‌های مورد علاقه‌ی من در علوم سیاسی، پدیده‌ی فاشیسم (و نازیسم) است تا آنجا که دو کتاب در این زمینه یکی از دانیل گرن و دیگری از لئون تروتسکی به فارسی برگردانده‌ام. در دانشگاه پاریس ۸ هم که علوم سیاسی می‌خواندم در هرچه کلاس در باره‌ی فاشیسم و توتالیتاریسم و موضوع‌های مشابه بود شرکت کرده‌ام. کارهای امیلیو جنتیله در باره‌ی فاشیسم ایتالیا بی‌گمان از بهترین پژوهش‌هاست. در یکی از همین کلاس‌ها از او دعوت شده بود تا درباره‌ی نوشته‌هایش صحبت کند. یادم می‌آید که نکته‌ی جالب حرف‌های او برای منی که از ایران می‌آمدم که مبتلا به نظامی سیاسی است که از خیلی جهات با نظام فاشیستی مشابهت دارد تحلیل او درباره‌ی چگونگی برخورد مردم ایتالیا با فاشیسم برای قابل تحمل کردن شرایط غیرقابل تحمل بود. او می‌گفت که مردم ایتالیا (و ما در مورد خودمان می‌توانیم بگوئیم مردم ایران) با لطفه و جوک ساختن از مظاهر فرهنگ فاشیستی گویی هم دل خود را خنک می‌کردند و هم پوشالی بودن جدیت و توهم قدرت داشتن آن را با کم‌هزینه‌ترین روش بیان می‌کردند. جنتیله می‌گفت که اصولاً ایتالیایی‌ها با روحیه‌ی طنزپردازشان نه فقط فلاکت زندگی زیر سلطه‌ی فاشیسم را تحمل پذیرتر کردند بلکه اساساً همین روحیه باعث شد فاشیسم ایتالیا نسبت به نازیسم آلمان در بعضی جنبه‌ها سببیت کمتری داشته باشد.

نگاه به نظام‌های سیاسی از جنبه‌ی فرهنگی به نظرم حامل واقعیت‌هایی است که به یاری تحلیل‌های غالباً اقتصادی و اجتماعی از آن پدیده‌ها می‌آیند و برخی مسایل توضیح‌ناپذیر را توضیح پذیر(تر) می‌کنند.

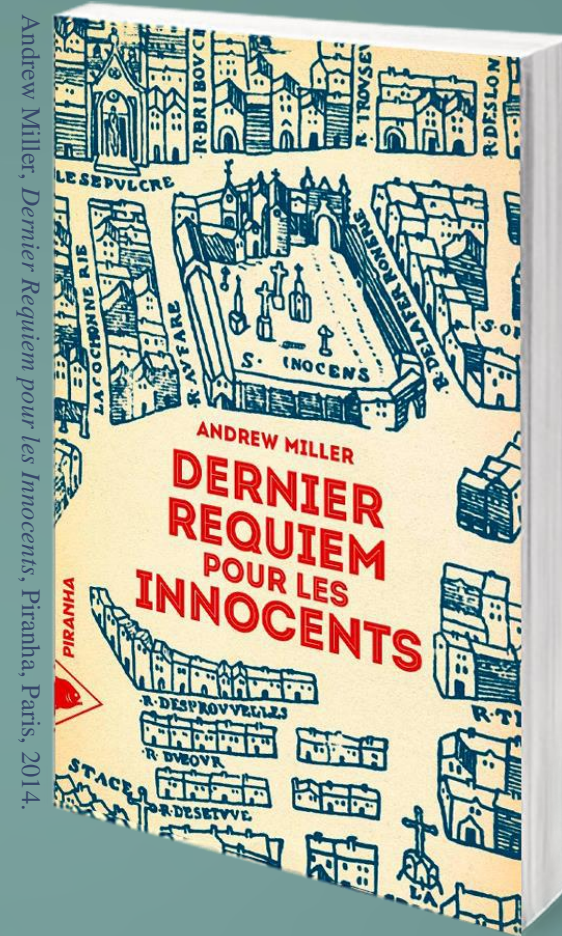
با مطالعه‌ی آثار جنتیله در زمینه‌ی فاشیسم و بویژه اثر کلاسیک فاشیسم چیست؟ تاریخ و تفسیر، می‌توان ویژگی‌های اصلی آن را چنین برشمرد (البته نباید از اثر مهم دانیل گرن با عنوان فاشیسم و بنگاه‌های کلان اقتصادی غافل ماند):

فاشیسم جنبشی است هم ضد دموکراتیک و هم ضد لیبرال (و گاه با جنبه‌های ضد بورژوا)، محافظه‌کار، ضد مارکسیست (هرچند رتوریک ضد سرمایه‌دارانه دارد)، ملی‌گرا، امپریالیستی، جنگ‌طلب، و خود انقلابی‌پندار است. این نظام سیاسی دشمن آرمان‌های روشنگری است هرچند خود را در خدمت آرمان مدرنیته نشان می‌دهد. نظام فاشیستی که در آرزوی ذوب کامل فرد و توده در دولت بود، اشتیاق داشت با روش اقتدارگرا و سرکوب‌گرایانه به این هدف دست یابد و یکی از برنامه‌هایش برای رسیدن به آن اعلام پروژه‌ی عوام‌فریبانه‌ی همکاری طبقاتی بین طبقه‌ی کارگر و بورژوازی بود.

رمان

جالب است که چه بسا بهترین بررسی‌ها و رمان‌های تاریخی درباره‌ی انقلاب فرانسه و کمون پاریس را بتوان در دنیای انگلوساکسون یافت.

سال ۱۷۸۵ است و این سال، چهار سال پیش از انقلاب کبیر فرانسه است. دولت مستقر در ورسای تصمیم می‌گیرد گورستان اینوسان (به معنی معصوم) را از مرکز محله‌ی شاتله‌ی پاریس به جای دیگری منتقل کند. کمی پیشتر دیوارهای پستی‌بی در نزدیکی گورستان بر اثر فشار وزنِ نعش‌ها فروریخته بوده و بوی تعفن همه‌جا را گرفته، سبزی‌ها و میوه‌ها که در



زمین‌های اطراف کاشته می‌شوند مزه‌ی غریبی پیدا کرده‌اند و بیم می‌رود که نه فقط اهالی محل که شاه و وزیرانش هم مسموم شوند. گورستان را با کلیسای مجاورش و روسپی‌های پلاس دور و برش از شهر برمی‌چینند و جابجا می‌کنند. این داستان غریب را، از آن رو که برای نخستین بار در پاریس اتفاق می‌افتاده و نشانگان تغییرهای بزرگی را در چند سال آینده با خود دارد، اندرو میلر دست‌مایه‌ی رمانی خواندنی کرده است. او در رمان دیگرش، کازانوای عاشق، علاقه‌اش را به عصر روشنگری فرانسه نشان داده است.

ژان-باتیست بارات، مهندس تازه فارغ از تحصیلِ مدرسه‌ی سلطنتی پل و جاده، از نرماندی به پاریس می‌آید تا در پروژه‌ی تغییر مکانِ گورستان کار کند. هرچند که مشتاق است نظرهایش را در انجام پروژه‌ی به این اهمیت در میان بگذارد، باورهایش با این کار در تضاد هستند چراکه او خود را مهندس می‌داند که قرار است بسازد و نه اینکه ویران کند و خراب کردن سنگ قبرها هم از نظر اخلاقی برای او توجیه‌پذیر نیست؛ پس با نگرانی و تشویش کار را می‌پذیرد. در پایتخت، دوست‌ها و دشمن‌هایی پیدا می‌کند، با ایده‌های انقلابی آشنا می‌شود، عاشق روسپی باسوادی می‌شود، با دکتر گیوتین «نازنین» آشنا می‌شود (این دکتر گیوتین که نامش را به آن دستگاه‌کذایی اعدام داده، مخالف مجازات اعدام بود و مخترع آن دستگاه هم نیست اما در سال ۱۷۸۹، سال انقلاب فرانسه، پیشنهاد داد که حالا که چپ و راست اعدام می‌کنند از گیوتین استفاده کنند چون محکوم درد کمتری را احساس می‌کند. از آنجا که جایگاه اجتماعی مناسبی داشت، حرفش مقبول واقع شد و این شد که آن دستگاه هم نام او را به خود گرفت).

مهندس ما در کارش رشد می‌کند و ایده‌ی استخدام کارگران معدن برای تخلیه‌ی استخوان مرده‌ها به ذهنش می‌رسد و ... در جریان این همه، کم‌کم به این باور می‌رسد که تغییر مکان گورستان فقط برای خلاص کردن شهر از مکانی آلاینده نیست آنطور که دولت می‌گوید؛ بلکه ویران کردن گورستانِ اینوسان، در واقع جارو کردن تأثیر گذشته‌ی بی‌است که از نظر دولت و پادشاه مسموم‌کننده است.

میلر، در رمانی که پر است از ارجاع‌های مستند تاریخی، به خوبی نشان می‌دهد که چگونه در سال‌های منتهی به انقلاب کبیر فرانسه، در محله‌ی مردمی و در ناف پاریس، محله‌ی بی‌که امروز به آن له‌آل (les Halles) می‌گویند، ملغمه‌ی بی‌اشتیاق به تغییرات اساسی و هراس از وضع موجود نزد اهالی محل وجود داشته که چهار سال بعد به بنیان‌کن‌ترین انقلاب تاریخ تا آن روز خواهد انجامید

JACQUES RANCIÈRE

PHILOSOPHE

france
culture

Ce qui était vraiment
une arme contre la démocratie

برنامه‌ی رادیویی - کتاب

رادیو فرانس کولتور (رادیو فرهنگ) درست چند روز پیش از دور یکم انتخابات ریاست جمهوری فرانسه با ژک رانسیر (Jacques Rancière)، که به نظر من مهم‌ترین فیلسوف حال حاضر فرانسه است، مصاحبه کرد. حلاوت خواندن کتاب او درباره‌ی آموزش، آموزگار نادان (*Le maître ignorant*) هنوز با من است. مصاحبه درباره‌ی دموکراسی بود و جان کلام رانسیر (نقل به مضمون می‌کنم) این بود که حق رأی همگانی و انتخابات نشانه‌ی دموکراسی نیست. او افزود که دموکراسی پس از انقلاب فرانسه با برانداختن سلطنت به معنی گرفتن حق حکمرانی از پادشاه و طبقه‌ی اشراف بوده و دادن این حق به مردم. در واقع دموکراسی به معنی این بود که قدرت از آنهایی که تا آن موقع چنین حقی برایشان مقدر شمرده می‌شده گرفته و به مردم، به آنها که چنین حقی تا آن موقع برایشان منظور نشده بوده، داده شود. اما موناشرسی فرانسه در سال ۱۸۴۸، سال انقلاب فوریه، که به برانداختن لویی - فیلیپ از تخت پادشاهی و اعلان جمهوری دوم انجامید (که آلفونس دلامارتین شاعر بیانیه‌اش را خواند)، با اختراع حق رأی همگانی کوشید تا وضعیت را در کنترل خود نگه دارد و اجرای انتخابات به روش رأی‌گیری را همان دموکراسی و حکومت مردم بر مردم، جا بزند. در حالی که می‌بینیم که آن خواسته‌ی دموکراتیک که حکومت از قشر و طبقه‌ی خاصی گرفته شود هیچ‌گاه محقق نشد. آن خواسته‌ی مردمی که کسانی که حرفه‌شان سیاست نباشد و هدفشان فرمانبرداری خود و دیگران از قدرت نباشد به امور حکمرانی پردازند هیچ‌گاه محقق نشد. و این ربطی به آنارشی هم ندارد. او در ادامه افزود که در جمهوری پنجم

André Bellon et Jean-Pierre Crépin

Questions contemporaines

POUR LA SOUVERAINETÉ DU PEUPLE

Nous sommes tous des constituants

Préface de Mehdi Belhaj Kacem

Questions contemporaines

L'Harmattan

هم ژنرال دو گل باز آن را در کانون زندگی سیاسی قرار داد و امروزه تنها چیزی است که برایمان باقی مانده است. دیگر امروز عادت کرده‌ایم به آنچه بنیاد الیگارشیک دارد، دمکراسی بگوییم. در واقع به چیزی می‌گوییم دمکراسی که دمکراسی نیست. این که خوب است یا بد مسأله‌ی دیگری است. اما واضح است که در فضای مه‌گرفته‌ی از ایده‌ها و باورها هستیم که پی‌آمدهای خطرناکی دارد. این نظام کنونی که به آن دمکراسی می‌گویند نظامی رسواست. نهادها و مؤسسه‌هایش چندان مردمی نیستند. هیچ چیز ضد قدرتی در آنها وجود ندارد چون دمکراسی شکلی از قدرت است که ضد قدرت باشد.

او سپس در پاسخ به این پرسش که پس آیا شما از قرعه‌کشی در برابر رأی‌گیری دفاع می‌کنید؟ گفت که بد نیست در جاهایی از قرعه‌کشی استفاده شود. ببینید دو مجلس داریم که یکی شیک‌جور مؤسسه‌ی پیشابازنشستگی برای سیاستمداران است و دیگری کمی بهتر است اما اگر به جای آن‌ها مجلسی داشتیم که اعضایش با قرعه‌کشی انتخاب می‌شدند، مثل چند باری که در کمیسیون‌های مختلف در سطح اجتماع دیده‌ایم و نتایج درخشانی هم داشته‌اند، قطعاً جذابیت و پیامدهای خیلی مؤثرتری برای جامعه می‌داشتند.

آندره بلون و ژان-پیر کرپن در کتابشان، برای حق حکمرانی مردم، از این ایده دفاع می‌کنند و با مثال آوردن از جنبش جلیقه‌زردها و سپس بحران همه‌گیری کووید ۱۹ به تعریف مفاهیم «مردم»، «اجتماع»، «شهروند» و ... از نگاه حاکمان و سیاستمداران «دمکرات» می‌پردازند و نتیجه می‌گیرند که بحران کنونی با «مبارزه‌ی انقلابی» درمان می‌شود چراکه در نظام کنونی مردم به جمع‌های کوچک‌تر تقلیل یافته و تحلیل می‌رود تا کم‌کم از معنی تهی و سازماندهی اجتماعی مختل شود، پس چه بسا برای آن‌که مردم دوباره قیومت خود را بر خود به دست آورد، انقلاب ضروری باشد.